هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

صعود قیم
بی توجهی یا ناتوانی؟
ص۲

از غوغای شکست اسلام سیاسی
تا اندیشهٔ کنار آمدن با آن
ص۳

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هجدهم ۱۵ اسد ۱۳۹۰ ٦ رمضان المبارک ١٤٣٢ - 6 August 2011

انتقال مسوولیت های امنیتی
در گرو قابلیت های امنیتی

در این روزها کشورما از هر لحاظ، به ویژه از منظر امنیت در مرحلهٔ حساس قرار دارد. ضرورت برجستگی موضوع، وقتی رو می نماید که از یک طرف ما در مرحلهٔ انتقال مسوولیت های امنیتی قرار داریم و از سوی دیگر نیروهای امنیتی ما به پرسش ها و چالش های فراوانی عینی و بالفعل رو برو می باشند. همانگونه که دیده شد، مرحلهٔ نخست انتقال مسوولیت های امنیتی چندی پیش در چند شهر های نسبتاً آرام کشور به پایان رسید. آن گونه که مسوولان اذعان نمودند کار بالای مراحل بعدی انتقال امنیت نیز به زودی آغاز می یابد. دراین شکی نیست که پروسهٔ انتقال مسوولیت‌های امنیتی از نیروهای ناتو به نیروهای داخلی و خود مانی ساختن روند امنیت توسط ارتش، پولیس و امنیت داخلی، یکی از آرزوهای همیشگی هر شهروند افغانستان می‌باشد.

اما پرسش اساسی که برای انتقال امنیت و حفظ آن در کوتاه مدت و دراز مدت مطرح است آیا میکانیزمی با توجه به مشکلات کمی و کیفی نیروهای امنیتی کشور در نظر گرفته شده است، تا بار این همه مسوولیت ها را به دوش بکشیم و برای همیشه خود را بی نیاز از نیروهای خارجی احساس کنیم؟

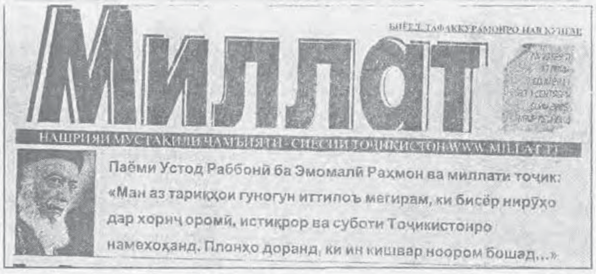
تجربهٔ کشورهای پسا جنگ و در حالت جنگ نشان داده است که امنیت یک پدیدهٔ انتزاعی نیست، بلکه نیازی اساسی شهروندان هر کشور می باشد. به عبارهٔ دیگر امنیت زمانی بر قرار می گردد ص۷



Муаллиф дар мулоқот бо Устод Раббонӣ

پیام استاد برهان الدین ربانی به رئیس جمهور و ملت تاجیکستان

توسط نشریهٔ ملت، پیام استاد به نظرخواهی سیاستمداران و دانشیان تاجیکستان گذاشته شد


Миллат
БИЁЕД ТАФАККУРАМОНРО НАВ КУНЕМ
НАШРИЯИ МУСТАҚИЛИ ҶАМЪИЯТӢ - СИЁСИИ ТОҶИКИСТОН WWW.MILLAT.TJ
Паёми Устод Раббонӣ ба Эмомалӣ Раҳмон ва миллати тоҷик:
«Ман аз тариқҳои гуногун иттилоъ мегирам, ки бисёр нирӯҳо дар хориҷ оромӣ, истиқрор ва суботи Тоҷикистонро намехоҳанд. Илоҳо доранд, ки ин кишвар ноором бошад...»

حدود سه ماه پیش آقای عبدالله رهنما محقق تاجیکی که در کنفرانسی به کابل دعوت شده بود، مصاحبهٔ با جناب استاد برهان الدین ربانی داشت، در این مصاحبه، استاد پیام هایی ارزشمندی در مورد هوشیاری سیاسی و حفظ امنیت به رئیس جمهور و مردم تاجیکستان داشتند که در شماره های ۱۱، ۱۹ و ۲٦ می ۲۰۱۱ جریدهٔ وزین ملت نشر و به نظرخواهی سیاستمداران و دانشیان تاجیکستان گذاشته شد و مورد استقبال قرار گرفت. که اینک با برگردان از خط سرلیک، بدون تصرف به نشر می رسد.

نشریهٔ ملت چاپ تاجیکستان می نویسد:

- استاد در این پیام به ماگفته است: هشیاری سیاسی خود را از دست ندهیم.
- استاد به ما گفته است: وظیفهٔ تاریخی تمام نیروها در تاجیکستان این است که، دولت وضعیت موجوده را حفظ نماییم. داشتن دولت به عنوان یک بستر مسئلهٔ بسیار اساسی است. اول دولت، بعد ایدیولوژی ها و طرح ها و هدف های دیگر.
- استاد به ما گفته است: امنیت را در تاجیکستان حفظ کنیم.

در صفحات ۴ و ۵ بخوانید

شورای عالی صلح ابو انس را به عنوان نمایندهٔ این شورا برای اروپا پیشنهاد نکرده است

روز پنجشنبه ۱۳ اسد آژانس خبری پژواک خبری را نشر نمود که گویا استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح، یک شهروند عرب به نام ابو انس را به حیث نمایندهٔ شورای عالی صلح برای اروپا پیشنهاد نموده است.

هفته نامهٔ مجاهد در تماسی که با یکی از نزدیکان استاد داشت، نشر این خبر را بی اساس خواند. اما منبع افزود که ابو انس شهروند عرب است که در دوران جهاد با مردم افغانستان از نزدیک کار نموده و با تمام جهات صلح و جنگ آشنای کامل دارد. اکنون وی در اروپا زندگی می کند و با استفاده از ارتباطات و تماس های شخصی اش به شورای عالی صلح وعدهٔ همکاری داده است.

عبدالله انس که با رئیس شورای عالی صلح شناخت نزدیک دارد، در دیداری که در کابل و کشورهای خلیج با وی داشته وعده نموده است که از تلاش های شورای عالی صلح افغانستان حمایت نموده و در این راستا با جانب افغانستان همکاری می نماید. مسلماً یکی از راه های تأمین صلح تماس با اشخاص و گروه هایی می باشد که می توانند منحیث رابط برای باز گرداندن صلح تلاش نمایند که عبدالله (ابوانس) یکی از آنان است. اما این که استاد ربانی وی را به صفت نمایندهٔ شورای عالی صلح افغانستان در اروپا پیشنهاد کرده باشد صرف به منظور جوسازی و شایعه پراگنی از طرف برخی ها صورت می گیرد.

گزارشی از یک گردهمایی

به صورت کلی این گردهمائی جالب بود و در سطح بلندی برگزار گردید اما مشکل عمده، تنوع مسایل مورد بحث بود که در چهار محور مطرح شد و دامنه بحث ها را بسیار وسیع ساخت. در حالی که هرکدام از این محورها می توانست موضوع یک کنفرانس چند ساعته باشد. به همین دلیل بود که در پایان، بحث ها به جای اینکه به نشاندهی راه های عملی برای رسیدن به صلح بینجامد، بیشتر به بحث و فحص روی مسایلی کشیده شد که بیشتر تئوریک و آرمانگرایانه بود.
ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

صعود قیم
بی توجهی یا ناتوانی

شهروندان کشورما با وضعیت ضعیف و بد اقتصادی که دامنگیر شان است، زندگی پرمشقتی را پشت سر می گذارند. نبود زمینهٔ کار و اشتغالزایی، نبود امنیت و جنگ در کشور و خشک سالی باعث شده است تا بالای اقتصاد شهروندان ما تأثیر منفی بجا گذارد. علاوه براین، دولت هم با پیگیری سیاست اقتصاد بازار آزاد که با وضعیت فعلی کشورما همخوانی ندارد، در کنترل قیمت ها بی توجهی نشان داده و با فسادی که دولت را چون کرم پله به خود پیچیده است، توان جلوگیری آن را ندارد.

همچنان گفته می شود که، احتکار توسط برخی تجار و عرضه کنندگان مواد ارتزاقی باعث می شود که در بلند رفتن قیمت ها اثر مستقیم داشته باشد، جلوگیری این عمل نامشروع نیز متوجه دولت و بخش های مربوط می شود که باید توجهٔ جدی بعمل آید.

با شروع شدن ماه مبارک رمضان، قیمت ها آنقدر قوس صعودی اش را می پیماید که برخی شهروندان کشورما توان تهیهٔ ابتدایی ترین مواد ارتزاقی را ندارند.

هفتهٔ پیش در همایشی، استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان نگرانی شان را از بلند رفتن قیمت ها و تکیهٔ دولت بر اقتصاد بازار آزاد و بی توجهی اش در زمینه، ابراز داشته گفتند: « شهروندان می گویند در دیگر کشورهای اسلامی به خاطر ماه مبارک رمضان نرخ ها کنترل می شود و به افتخار این ماه نرخ ها پایین می آید، اما در افغانستان نه تنها کنترل نمی شود، بلکه نرخ ها بلند می رود. دولت باید جلو این کار را بگیرد و یک اقتصاد مختلط را به میان بیاورد. مشکل شهروندان را نادیده نگیریم در غیرآن صورت، مشکلات زیاد و زیادتر شده می رود. بازار آزاد مقدس نیست. اصلاً مصالح مردم، منافع و حیات مردم مقدس است.»

آگاهان امور بدین باور اند که، انحصار بازار در دست چند تجاری است که به صورت انحصاری مواد را وارد، و مطابق خواست شان نرخ می گذارند و این مواد با چند دستی که تبادله می گردد تا به مشتری می رسد، به قیمت آن افزوده می شود. در حالی که اتاق های تجارت اعلام کرده است کمیسیونی را برای جلوگیری از صعود قیمت ها ایجاد کرده و گفته اند که بنا به هر دلیلی که در صعود قیمت ها باشد، کوشش می کنیم تا نظارت صورت گیرد و از تاجران نیز خواسته اند که در پایین نگهداشتن نرخ مواد اولیه همکاری نمایند. اما همانطوری که مردم تجربه دارند، در افغانستان بلند بردن قمیت ها کار بسیار آسان و ساده، اما پایین آوردنش کار دشوار به نظر می رسد.

بر دولت است تا مسوولیتی که مطابق قانون در قبال شهروندان دارد، در تمام عرصه ها به خصوص در سیاست های اقتصادی اش دارای برنامهٔ عملی باشد، زیرا برنامه است که سبب رشد و توسعهٔ اقتصادی کشور می شود و شهروندان به مرحلهٔ رشد اقتصادی گام بر می دارند و از فقر و تهیدستی و محتاجی نجات می یابند. در حالی که دولت بر بلند رفتن عاید سرانه افتخار می کند، اما همواره قیمتی ، فقر و بیکاری دامنگیر اکثریت شهروندان کشور بوده و است بایست به آن توجه شود.

قسمت نهم

تاریخچه جمعیت اسلامی افغانستان

درک درست واقعیت ها

خاطراتی از محمد نسیم فقیری

محبس لغمان:

عصر یک روز قوماندان امنیه به نظارت خانه آمد و چند نفر را به شمول بنده به خانهٔ والی برد. به والی گفت که در مورد این افراد کدام اطلاعی نرسیده و باید آزادشوند! ولی به من یک نگاه کرد و زمانی که نوبت من رسید، باشدت عصبانیت و غضب گفت: این را نگذارید و بر این هرگز رحم نکنید و حرف های بسیار کثیف و زشت گفت. مرا دوباره اُلچک کرده و به نظارت خانه فرستادند... روز دیگر جمعی از زندانیان به شمول مولوی صاحب عبدالحی پدر مولوی صاحب را به شمول بنده به محبس لغمان فرستادند... نزدیک شام بود و قوماندان محبس در دروازهٔ محبس منتظر ورود زندانیان سیاسی بود... اُلچک و زولانه ها به قوماندان امنیه برگردانده شد و محبس باید برای این زندانیان اُلچک و زولانه های جدید می آورد، که نداشت... در تالاشی مجدد زندانیان، قوماندان محبس متوجه یک ورق نمرات صنف دوازدهم من شد که تقریباً همه نمرات، ده نمره بود و در فوق نوشته شده بود:

نمرات اول نمره گی صنف دوازدهم محمد نسیم مجاهد فقیری! و قوماندان تبسم معنی داری کرد و گفت: مجاهد! کلمهٔ مجاهد امروز به کثرت رواج یافته ولی در آن زمان بسیار مهم و معنی دار بود!

قوماندان محبس، خطاب به مولوی صاحب کلان (پدر مولوی صاحب) گفت: پسرت هر کاری که کرده، حساب او با دولت است... بر شما هرچه گذشته و هر صعوبت و تعذیبی که دیده اید، حسابش به خداست ولی از این لحاظ در اختیار من هستید ... شما می توانید به داخل محبس بدون زولانه بروید و آذان و نماز بدهید. و مولوی صاحب را به دروازهٔ محبس رهنمایی کرد! این از لحظات بسیار خوش زندگی من بود که یک آمر با پدر مولوی صاحب با چنین کلمات محبت آمیز، بر خورد داشت و او آزادانه به داخل محبس رفت.

در مورد ما وضع بسیار مشکل بود، آنهم از نداشتن اُلچک (هولدچک) و زولانه در محبس و قوماندان و سایرین حیران بودند که چه کار کنند؟! بالآخره چیزی را به نام «غراب» آوردند که یک جلو داشت و زنجیر عقبی به صورت دومدار با فاصله های معین، حلقه ها داشت که به گردن هر یک از زندانیان انداخته و قفل می شد و یک نفر همه را به جلو می کشید...

همه زندانیان داخل محبس از واقعه با خبر شده و منتظر ورود زندانیان سیاسی بودند... دروازه برای ما باز شد و همه در یک زنجیر بسته شده و با بانگ ملکوتی اذان، وارد محبس شدیم و به نماز ایستادیم ... تعدادی از زندانیان نماز نمی خواندند و نظاره گر ما بودند، در رکوع و سجده همه دیدند که سر بعضی ها پایین و از بعضی بالا و بسیار خفه کن و رنج آور بود... با ختم نماز ما همه زندانیان سابق به رهبری هاشم پسر ملک صاحب دین- از زندانیان سابق - به طرف دروازهٔ محبس به را ه افتادند و با فریاد هایی چون مرگ بر داوود، مرگ بر وزیر داخله، مرگ بر والی و... به دروازهٔ کلان محبس حمله آور شده و قصد فروریختن آن دروازهٔ کلان را داشتند... آمر محبس موضوع ر ا به والی اطلاع داد و امر شد که برای امشب «غراب» را بردارند و فردا کاری خواهیم کرد...

غراب بر داشته شد و شب اول مهمان یکی از زندانیان سابق، به نام دواجان از ولسوالی الینگار بودیم...نشستن با دست ها و چشمان باز و در یک فضای بسیار مطمئن و آسوده - در مقایسه با نظارت خانه و قوماندانی امنیه- و صرف غذای بسیار لذیذ آن شب و آن صفهٔ بزرگ که به احترام مولوی صاحب کلان، سازمان یافته بود، از خاطرات فراموش ناشدنی است.

فردا، زندانیان جدید میان زندانیان قدیم که هر کدام یک خانه و دیره داشتند، تقسیم گردیدند و رفیق زندانی من کسی به نام جمعه گل از الینگار بود، و همین که از فردا برای همه زندانیان جدید ،اُلچک ها آورده بودند، او اُلچک های مرا پنهانی می شکست و به آمریت محبس اطلاع می داد. عصر هر روز، زندانیان در چهار دیوار بزرگ محبس، پیاده گردی می کردند و یک روز محمد هاشم به من گفت: من در ابتدائیه شاگرد پدر شما بودم... هرگاه داوود خان امر کند که مرا در هلیکوپتر از صبح تا شام در مناظر مهم طبیعی به تفریح ببرند، بازهم شام فرا می رسد. هرگاه از صبح تا شام مرا به زنجیر ببندند، باز هم شام فرا می رسد...

روزی که برادرم اجازه یافت تا برای من بستره و دیگ بخار و چهار پایی و... بیاورد و این همه وسایل در نزدیک شام آورده شد و برادرم را در جلو محبس به طور گذرا دیدم، فردای آن به نزد والی فراخوانده شدم و والی از من پرسید: به یاد داری که یک مقاله خوانده بودی؟

من تغافل کرده و پرسیدم: کدام مقاله؟ من در مکتب از صنف هفتم به بعد مقاله های زیاد خوانده ام! اما والی گفت: نه همان یک مقاله! و منظورش مقالهٔ سال نو ۱۳۵٤ هجری بود که هرگز از جمهوریت و داوود خان ستایش به عمل نیامده بود!

والی گفت: در مورد شما بسیار تحقیق کردیم و هیچ سندی نیافتیم، پس خودت را به صورت مشروط آزاد می سازیم که بازهم زیر نظر ما هستی و از خانه هرگز نمی توانی بیرون شوی! گفتم: من فارغ صنف دوازدهم هستم و برای کانکور آمادگی می گیرم و باید از کتابخانهٔ مکتب استفاده کنم... والی گفت: بلی! فقط به مکتب آمده می توانی! بعد به اُلچک ها و زولانه ها که همه آهنی بسته شده بود و قفل نداشت، اشاره کرد و به پولیس ها گفت: به دکان آهنگری بروید و این بندها را بشکنید... من با پولیس پیاده به راه افتادیم و از مسیر دکان ها گذشتیم تا به دکان آهنگری که نزدیک ایستگاه سلطان غازی بابا، بوده برسیم. در مسیر راه تعدادی از خلقی ها در دکان نشسته و مشغول صرف چای بودند که دوست محمد از عمرزایی فرد کلان شان بود، ایشان با دیدن الچک و زولانهٔ من همه خندان و با چهره های فاتحانه نگاه می کردند و ما به دکان آهنگری رفتیم و باشکستن بندهای دست و پای باز، دوباره برگشتیم و این خلقی ها بسیار غمگین و سر افگنده گردیدند...

به قوماندانی امنیه که رسیدیم، پدر و ملک قریهٔ ما (غلام حضرت دادا) از قبل آمده بودند و دادا مشغول نماز عصر بود... پدرم با خوشحالی به سر و روی من بوسه زد و هر سه در گادی به طرف قریهٔ خویش (تگری) روانه شدیم...

بعضی از دوستان و عامهٔ مردم جهت استقبال تا نزدیک دو سرکهٔ سنگسوده که تقریباً فاصلهٔ کوتاهی نیست آمده بودند و با شور و هلهله ما را پذیرایی کردند... در داخل کوچه های تگری همه زنان و دختران در کناره های بام منتظر ایستاده بودند و با نثار گل، شیرینی و حتی بوره به ما خوش آمدید می گفتند... این جمع بزرگ در آن شرایط دشوار اختناق و سرکوب و پذیرایی خالصانهٔ مردم از بنده، بسیار دیدنی و ماندنی بود! من کِی بودم و چرا مورد پذیرایی قرار گرفتم؟ آیا من پدر یک زمیندار یا خان و ملک قریه بود؟ آیا یک روحانی بزرگ بود؟ یا یک شخصیت کلان و معروف علمی لغمان؟ هیچکدام نبود و همه عشق و علاقهٔ مردم به خاطر اسلام بود که یک جوان به خاطر اسلام به زندان رفته و سرفراز و آزاد برگشته است... احترام مردم به پدرم به حیث یک معلم، جای خود را داشت و رنه این پذیرایی همه به خاطر اسلام و وابستگی به آن بود...

از غوغای شکست اسلام سیاسی تا اندیشهٔ کنار آمدن با آن

سیدعنایت الله شاداب/استاد دانشگاه کابل

تحولات خاورمیانه و توفان سیاسی برخاسته از اعماق و ژرفنای باورهای توده های مردمی، طراحان و برنامه ریزانی به اصطلاح انقلاب های ملی در جهان اسلام را چنان گیج و حیرت زده نمود که همه خوانده ها و معلومات جامعه شناسانهٔ آن ها را در مسیر تندبادهای ارادهٔ توفان آفرین ملت ها قرارداده و در برابر پدیدهٔ قرارگرفتند که درتاریخ معاصر خاورمیانه بی نمونه بود. این توفان برخاسته از تونس که بعد از فروپاشی استبداد سیاسی درآن کشور و فرار زین العابدین، مصر را به لرزه در آورد و کاخ استبدادی آن را چنان درهم کوبیدکه اکنون متولی آن کاخ در محاکمهٔ فرزندان مصر قرار دارد که نگهبانان استبداد دیرپای این کشور صدها فرزندان آن سرزمین را به جرم این که حاکمیت اندیشهٔ سیاسی اسلام را عنوان می کنند، روانهٔ پایه های دارکردند.

اما حرکت قانونمندانهٔ تاریخ، حوادث را چنان رقم زد که همه پندارهای متولیان قدرت و پرچمداران کنار زدن- به تعبیرآنان- اسلام سیاسی را نقش برآب ساخت و اکنون همان اسلام سیاسی و پرچمداران آن اند که حرف اول را می زنند و با فراخوان آن ها ده ها و صدها هزار نفر وارد میدان های آزادی می شوند و شعار محاکمهٔ مجریان و معامله گران سرنوشت ملت های مسلمان را سر می دهند.

امروز همان قدرت هایی که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و شکست بُت کمونیزم با طرح شعار نظم نوین جهان، اسلام سیاسی را دشمن اصلی این نظم نوین عنوان می کردند، با تغییر موضع قبلی خویش، طرح نو در انداختند که کنارآمدن با اسلام سیاسی است، همان اسلام سیاسی که اولیورروای فرانسوی چند دهه قبل بعد از نوشتن کتاب " اسلام سیاسی" کتابی را در دست نشرسپرد به نام"شکست اسلام سیاسی" کتابی که غوغای بزرگی را درمیان عناصر به اصطلاح روشنفکر درکشورهای اسلامی، ایجاد کرد. غوغای که افزودن بر فقدان پایگاه علمی، گوش شنوای هم در میان ملت های مسلمان و اندیشه وران آن ها پیدا نکرد. البته حساب عناصر و حرکت های بریده از ملت های مسلمان در جغرافیای اسلام، از این حرف مستثنی است که به دور ازگاهی ازآموزه های اسلام همچو غوغائی را درکشورهای اسلامی سرو سامان دادند.

حالا اطلاعاتی که از طریق سایت های انترنیتی به دست آمده بیانگر آن است که، نظریه پردازان سیاست در غرب، شعار کنارآمدن با اسلام سیاسی را سرمی دهند، نه حرفی از البرادعی است و نه هم نگاهی متوجه عمرموسی سرمنشی پیشین جامعهٔ عرب است. با همه سابقه ای که این دو چهره درجامعهٔ جهانی و در میان ملت های عرب دارند. جهان عرب با این تغییر در موضع خویش در برابر اسلام سیاسی اگر از یک طرف فاتحهٔ جنازهٔ نظریهٔ شکست اسلام سیاسی را اعلان می کند، از سوی دیگر اسلام سیاسی را به حیث یک واقعیت پذیرا گردیده و در جستجوی راه کنارآمدن با این واقعیت در جهان اسلام به ویژه در جهان عرب شده است، تا از جهتی به تأمین اهداف استراتیژیکی خویش بپردازد و در جهت دیگر، بحران حاکم در شرق میانه را مهار نماید.

پرسش اساسی این است که، آیا بحران های حاکم در جهان اسلام را می توان با این گونه حرکت ها، به دور از شناخت ریشهٔ این بحران ها مهار زد؟

گام نخست روش علمی در حل بحران های اجتماعی، همانا شناخت ریشه یی و کالبد شگافی، آنهاست.

با تأسف که کانون های بحران شناسی غرب در جهان اسلام تا هنوز هم از این ناحیه دچار اشکال اند و دارند این بحران ها را با همان روش های مهار نمایندکه در حل بحران های جهان غرب ازآن ها استفاده می کنند.

بدون شک همان بودکه طبیعت جوامع انسانی از رهگذر محیط دینی و فرهنگ باهم مختلف اند، بحران های جوانه زده در این جوامع هم از نگاه طبیعت و ماهیت باهم مختلف می باشند.

بنا به آنچه گفته آمد، باید در مهار بحران ها در مناطق مختلف باید از روش های همخوان با آن ها ازنگاه محیط مادی ومعنوی، استفاده به عمل آورد. از همین جاست که حرکت های روشنفکری با اسلوب غربی در جهان اسلام نه جای پای دارد و نه گوش شنوا، همان گونه که غوغائی بنیادگرایی و فندمنتلیزم، نه تنها گوش شنوایی در جهان اسلام ندارد که آن را تبلیغاتی تلقی می کنند در جهت خلع ملت های مسلمان از هویت دینی و ملی آن ها.

حرف اخیر هم این که، نهادهای مهار بحران در جهان و نهادهای برقراری حاکمیت صلح و ثبات، اگر واقعاً خواهان فروکش کردن بحران ها درجهان بوده و در پی ایجاد یک جامعهٔ به دور از جنگ و بحران اند، باید حرکت های خود را در چهارچوب روش همخوان با واقعیت های جوامع دچار بحران، به دور از تأمین منافع استراتیژیکی و ایدیولوژیکی سامان بخشند. در غیر آن این همه حرکت ها جز این که پنبه کردن رشته ها و کوبیدن آب در هاون باشد، دردی را دوا نخواهد کرد. همان گونه نظریهٔ " شکست اسلام سیاسی" دچار شکست گردیده و شعارهای مبارزه برضد بنیادگرایی گوش شنوای پیدا نمی کند.



(سید احمد اشرفی)

مسیحیت

عیسای مسیح ازدیدگاه اسلام و مسیحیت

اگر یهودیت بر محور یک قوم یعنی ملت یهود، هویت پیدامی می کند، هویت مسیحیت بر محور یک شخص، یعنی حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) شکل می گیرد. بلکه جوهر مسیحیت و اصل الاصول و ستون فقرات آن، حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) است. ازین سبب شناخت آن حضرت، نخستین گام در شناخت مسیحیت به شمار می رود. ما اولاً به معرفی آن جناب از دیدگاه اسلام می پردازیم و سپس تصویری را که مسیحیت امروزی از ایشان رسم کرده، ارایه می دهیم، تادیده شود که کدامین مسیح به حقیقت نزدیک تر و به عقل سلیم موافق تر است.

شایان ذکر است که یهودیت در بارهٔ حضرت عسی (علیه السلام)، راه تفریط را در پیش گرفته، ایشان راه بدترین اوصاف همچون دروغگویی و حرامزادگی متهم می کند، و نبوت و رسالت ایشان را به رسمیت نمی شناسد، اما مسیحیت را ه افراط رفته، ایشان را از درجه انسانی به مقام الوهیت و خدایی می رساند. این در حالی است که اسلام مطابق به روش همیشگی خود که همانا اعتدال و میانه روی است، در نقطهٔ وسط آن دو قرار گرفته است.

عیسای مسیح از دیدگاه اسلام

حضرت عیسای مسیح (علیه السلام)چنانچه از قرآن کریم و احادیث نبوی برمی آید، یکی از انبیای اولوالعزم و صاحب کتاب مستقل است. او یک فرد انسانی است که به طور خارق العاده از دوشیزه معصومه ای به نام مریم بدون پدر به دنیا آمده است. تمام مراحل زندگی حضرت عیسی به طور مفصل روشن نیست پاره ای از اخبار و لادت و کودکی و احوال وی پس از بعثت در منابع اسلامی و در رأس قرآن کریم، حکایت شده که فشرده آن از این قرار است:

مریم مادر عیسی: مادر مریم زن عمران نازا بود، و روزگاری دراز در آرزوی فرزندی بود که دیده به دیدار او روشن سازد. سر انجام به پروردگار آسمان ها و زمین روی آورد و برای برآورده شدن نیاز خود از وی مسئلت نمود و نذر کرد که چنانچه آفریدگار به وی فرزندی عنایت فرماید، تا او را در راه خدا بذل کند و در خدمت بیت المقدس بگمارد. خداوند دعایش را مستجاب و آرزویش را برآورده ساخت و او باردار شد، اما قبل از وضع حمل، شوهرش عمران وفات کرد، و چون نوزاد به دنیا آمد و معلوم شد که دختر است، آرزو و امیدش به یأس و نومیدی مبدل گشت، زیرا او پسری می خواست که در خدمت بیت المقدس درآید، و وسیله تقرب وی به در گاه الهی شود، ولی چنانچه تصور می کرد، زن شایستگی چنین مقامی را نداشت، اما گذشت زمان ثابت کرد که نه تنها زن شایستگی این مقام را داراست بلکه می تواند الگوی طهارت و پاکدامنی، ایثار و فداکاری و قدوهٔ حسنه برای همه ای نسل ها در همهٔ عصر ها باشد. زن عمران نام آن دختر را مریم گذاشت و به بیت المقدس برده، بدست احبار و متولیان بیت المقدس سپارید تا در آنجا بزرگ شود و یکسره در خدمت معبد قرار گیرد.زمانی که بزرگان معبد نوزاد را تسلیم شدند، درباره ای کفالت و تربیت وی به نزاع برخاستند، زیرا پدر او عمران از پیشوایان بنی اسرائیل بوده مقام بلندی در ادارهٔ معبد داشت، و چون در بارهٔ کفالت او به نتیجه نرسیدند، قرعه اندازی کردند، و از قضا قرعه به نام حضرت زکریا (علیه السلام) که شوهر خالهٔ مریم بود برآمد، و مریم تحت کفالت زکریا قرار گرفت. زکریا در تربیت وی چندانکه توانست کوشش ورزید، و چون مریم بزرگ ترشد، اتاقی را در بیت المقدس به وی تخصیص داد. مریم تمام روز در آنجا عبادت و خدمت می کرد و شب را در خانه خاله خود سپری می نمود. زکریا گاه و بیگاه نزد مریم می رفت و وسایل راحتش را مهیا می ساخت، در اثنای رفت و آمد به محراب مریم ، مکرراً میوه تابستان را در زمستان و میوهٔ زمستان را در تابستان در نزد او مشاهد کرد، لهذا از روی تعجب پرسید: «ای مریم! این اشیا از کجا بتو می آید؟ مریم گفت: این از نزد پروردگار من است، و خدا به هرکی بخواهد بدون وسیله و بدون حساب روزی می رساند.»

د پاکستان حکومت د سختو گواښونو په وړاندي

ن – شفیق

لکه چې دامریکایي حکومت د وړاندوینې په رڼا کې روان کال په افغانستان کې له جنگونو ډک کال اټکل شوی وو او رینښتیا هم دنورو و کلونو په پرتله په افغانستان کې د ناامنۍ پېښې ډېرې شوي دي؛ په همدې توگه دپاکستان په خاوره کې هم دنا امنۍ پېښې ډېرې شویدي او د دغه هیواد فعلي حکومت- یې له سترو گواښونو سره مخ کړی دی چې د امنیت د ټینگولو په ستره منصبی دنده کې د افغانستان د واکمنانو څېر د پاکستان واکمن نظام هم د ولس له گواښونو سره مخ شوی دی؛ څکه له یوې د امریکا د بې پیلوټه الوتکو د توغندیو بریدونو د پاکستان په ولس کې تشویشونه او د خپل حکومت په هکله بې باورۍ پیداکړي دي او له بلې خوا د پلوچستان په آیالت کې او هم د سند ایالت د کراچۍ په ښارکې د وژنو او ناامنیو پېښې ډېرې شویدي. په تیره اونۍ کې د شنبې په ورځ په دغه آیالت کې د دوه وو بیلا بېلو پېښو په ترڅ کې پنځه څلویښت وگړو ته مرگ ژوبله اوښتې ده او هم په کویټه کې د شنبې په سهار ناپېژاندو وسله والو په یو موټر باندې ډزي کړي وې چې پکې یوولس تنه وژل شوي وو او دکویټي په هزار گنجي ولسوالۍ کې د یوې چاودنې لامله دوه تنو ملکي وگړو ته مرگ ژوبله اوښتې وه. همدارنگه د امریکا د بې پیلوټه الوتکو د عملیاتو په ترڅ پنځه تنه وژل شوي وو چې دغه گردواړه پېښې د پاکستان هیواد په بلوچستان آیالت کې هم د یو منظم پلان له مخې تدبیر شوي عملیات گڼل کیږي او له بلخوا څخه پدغه ایالت کې د بلوڅو او پښتنو لخوا په مرکزي حکومت باندې د بې باورۍ روحیه نوره هم پیاوړې کوي چې په سیمه کې میشت پښتني او بلوڅي قومونه د پاکستان دولت یوازې د پنجاب د برلاسي قایمولو اداره او حکومت گڼي او له ډیر پخوا څخه پدغه آیالت کې موجود و بلوڅي او پښتني گوندونو د دغه هیواد د فدرالي حکومت خانگړتیا وو او حقونو

۸مخ

جریدهٔ وزین ملت در کشور تاجیکستان در شماره های ۱۱،۱۹ و۲۶ می ۲۰۱۱ خود، پیام استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور سابق و رئیس شورای عالی صلح افغانستان را با این سرخط نشر نمود:

پیام استاد ربانی – به امام علی رحمان و ملت تاجیک: **من از طریق های گوناگون اطلاع می گیرم که بسیار نیروها در خارج آرامی استقرار و ثبات تاجیکستان را نمی خواهند. پلان ها دارند که این کشور نا آرام باشد.**

متن کامل این پیام بعد از دو هفته اعلان در هفتهٔ سوم در شمارهٔ ۲۶ می ۲۰۱۱ جریدهٔ ملت به نشر رسید. ملت تاجیک این پیام را که مبین درد و آلام امروزین تاجیکان و مبین راه حل دلسوزانه و خردمندانه بود، به عنوان نصایح و رهنمایی پیرخرد و سیاست معاصر منطقه، سیاستمدار دلسوز و آگاهی که از ژرفای دل سخن گفته و همه تجارب سیاسی و نظامی خویش را، درین رهنمود به خیر ملت تاجیک برون ریخته است، قبول کردند و از آن استقبال نمودند.

انعکاس این پیام که هم رهبری تاجیکستان و هم احزاب و سیاسیون آن کشور و هم ملت تاجیک را مخاطب ساخته بود، چنان وسیع بود که در همه محافل سیاسی و ادبی و اجتماعی، سخن از آن بود. این امر سبب گردید که روزنامهٔ ملت، این پیام را به نظر خواهی سیاستمداران و دانشمندان و جامعهٔ تاجیک قرار دهد. شماره ۲۲ جون ۲۰۱۱ ملت نظر چهار تن از سیاستمداران را نشر نمود که این سلسله نظرخواهی و نظردهی همچنان ادامه دارد.

ملت می نویسد: استاد در این پیام به ماگفته است: هشیاری سیاسی خود را از دست ندهیم. به ما گفته است: وظیفهٔ تاریخی تمام نیروها در تاجیکستان این است که، دولت وضعیت موجوده را حفظ نماییم . داشتن دولت به عنوان یک بستر مسئلهٔ بسیار اساسی است. اول دولت، بعد ایدیولوژی ها و طرح ها و هدف های دیگر. به ما گفته است: امنیت را در تاجیکستان حفظ کنیم.

در نظرخواهی پیرامون پیام استاد ربانی که در ملاقات با دانشمندان تاجیک دکتور عبدالله رهنما ابراز داشتند، استادان دانشگاه و دانشمندان و رهبران احزاب سیاسی سهم گرفته اند.

این پیام بیدار باش و تکانهٔ بود، جامعه تاجیک را در راستای بازشناسی دقیق تحولات منطقه و جهان و آگاهی و بیداری ملت تاجیک.

در اینجا متن کامل پیام استاد برهان الدین ربانی، رهبر جهاد و مقاومت افغانستان رئیس جمهور سابق و رئیس شورای عالی صلح افغانستان را خطاب به رهبران تاجیک، ملت تاجیکستان و دانشیان و روشنفکران آن جامعه عنوان شده است، نقل می کنیم. پیامی که استاد در صحبت با دانشمند و محقق تاجیک عضو مرکز ستراتیژیک تاجیکستان دکتور عبدالله رهنما، ابراز داشت. همچنان دیدگاه های دانشمندان تاجیک را در این زمینه که درنظر خواهی جریده ملت ابراز داشتند، می آوریم و نمایی صفحات جریدهٔ ملت را می آوریم تا برهان مدعای ما باشد.

پیام استاد برهان الدین ربانی به مردم تاجیکستان:

محقق تاجیک عبدالله رهنما که در یک کنفرانس صلح به کابل دعوت شده بود و با جناب استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان ملاقات داشت و حامل این پیام به تاجیکستان بود، می نویسد:

چون سفر صلح و برنامهٔ صلح سازی بود، نقطهٔ عالی ملاقات من در این زمینه با رئیس شورای عالی صلح افغانستان، استاد برهان الدین ربانی بود. این شورا نهاد مخصوصی است که هفتاد نفر شخصیت های با نفوذ، دینی، سیاسی، جمعیتی و قومی افغانستان عضو آن می باشند. این شورا از نظر جمعیت با نفوذ اعضایش، حتی از دولت و پارلمان پر تأثیرتر است. استاد برهان الدین ربانی که از با نفوذترین شخصیت های افغانستان محسوب می گردد، رئیس این شورای بزرگ است. شخصیت استاد ربانی در افغانستان از چندین جهت مطرح و قابل توجه است:

۱- همچون رهبر مردمی و جهادی که برای استقلال کشور عمری مبارزه داشته است.

۲- همچون سیاستمدار پرسابقه که حدود ۵۰ سال پیش صحنه سیاسی را تجربه کرده است.

۳- همچون چهرهٔ ادبی و فرهنگی که اعتراف و قبول عمومی یافته است.

۴- همچون شخصیت معنوی و اخلاقی که به حلم، زهد و تواضع خود مشهور گشته است...

خلاصه این شخصیت جامع، امروز هم از ستون های دولتداری و مهره های مطرح جامعهٔ افغانستان است. و همان مفهوم بسیار بلند" استاد" که نسبت به این شخصیت به کار می رود به تمامی معنی در سطح و سیمای این چهرهٔ با فضیلت، تجلی کرده است.

رهنما می نویسد: نسبت طولانی شدن سخنرانی و سوال و جواب در دانشگاه آموزگاری کابل، ما به ملاقات استاد ربانی حدود ۴۰ دقیقه دیرتر رفتیم. یعنی بسیار دیر، و اطرافیان گفته اند، اگر مهمان تاجیکی نمی بودید استاد این ملاقات را حتماً لغو می کرد، زیرا ایشان هر ساعت برنامه و ملاقات دارند. استاد با پذیرایی گرم، در بارهٔ برنامه های ما و چگونگی سفر و بازدید از افغانستان، سخن گفتند و از اینکه تجربهٔ صلح تاجیکستان مورد آموزش و توجه قرار گرفته، بسیار خوشحال بودند و بی اختیار به نقل لحظات بسیار جالب و ناگفتهٔ روند صلح تاجیکستان آغاز نمودند. لحظاتی که شاید فقط ایشان و بعضی رهبران روند صلح، می دانستند ....

ولی در این صحبت بسیار مهم، برای بنده، قسم نهائی آن بسیار مهمتر بود که در آن استاد برهان الدین ربانی برای تاجیکان و تاجیکستان پیامی را اظهار داشتند. این پیام، پیام یک انسان پرتجربه، یک انسان دلسوز و یک انسان آگاه بود. پیامی که باید همهٔ ما از بالا تا پائین با گوش عقل بشنویم. متن آن که چون امانت جمله به جمله یادداشت شد، چنین است:

چون می روید سلام مرا به تمام مردم تاجیکستان خصوصاً به برادر عزیزم رئیس جمهور تاجیکستان امام علی رحمان برسانید. پیام من به مردم و دولت تاجیکستان این است، که همه در گردهم جمع شوند، سخن من به حکومت تاجیکستان این است که همه را در گرد خود داشته باشند، وظیفهٔ تاریخی تمامی نیروها در تاجیکستان این که، دولت و وضعیت موجوده را حفظ کنند، داشتن دولت به عنوان یک بستر، مسئلهٔ بسیار اساسی است. برای همه نیروها، در تاجیکستان امروز حفظ امنیت ضرور است من از تمام مردم تاجیکستان خواهش دارم که امنیت را همچون یک وجیبهٔ دینی و وظیفهٔ شرعی خود حفظ کنند. زمان، زمان ساده نیست. من از طریق های گوناگون اطلاع می گیرم که بسیار نیروها در خارج آرامی، استقرار و ثبات تاجیکستان را نمی خواهند. پلان هایی دارند که این کشور ناآرام باشد. زیرا رهبر تاجیکستان امام علی رحمان یک فرد استقلال طلب است. در چنین مرحله دولت هم باید مردم را، نیروها را، شخصیت ها را، همگی را در اطراف خود داشته باشد. مردم وقتی راضی می شوند که مشکلات آنها خصوصاً رسیدگی شود و به فرهنگ و ارزش های آنها احترام گذاشته شود.

تاجیکستان یگانه کشوری است در آسیای میانه، که در آن نهضت اسلامی رسمیت دارد. در دیگر کشورها رسمیت ندارد. همین مسئله و مسئلهٔ صلح با برادران خود، تاجیکستان را به یک نمونه در منطقه تبدیل داده است. تاجیکستان نشان داد که وارث فرهنگ بزرگ است و شایستگی آن را دارد.

ما نباید فریب بخوریم که اگر اسلام را و نهضت اسلامی را هر چه فشار دهیم غرب از ما خوشتر می شود. غرب منفعت جاری خود را می شناسد، همینکه کارش برآورده شد، برایش کافی است آنها حتی به طالبان می خواستند اینجا راه بدهند به همین گروه!

من از اطراف به بسیار خبرها دسترسی دارم. من می خواستم بگویم که برادر من امام علی رحمان جوانمرد با ناموس تاجیک است. من در این باره به استاد سید عبدالله نوری چند روز گپ زدم این را فهمانیدم و گفتم: حالا شما را جامعهٔ روس ها، منطقهٔ غرب، که، با حفظ آرامی با رشد و پیشرفت و با صلح بار دیگر ملت تاجیکستان به جهان یک نمونه دهد، نمونه ای از عظمت تاریخی خود با همان فرهنگ اصیل اسلامی و ملی خود یک پیام تمدنی دهد، ...

ما در افغانستان در شرایط بسیار قومی، ملیت ها، زبان ها، نیروهای خارجی، سیاست ها، بسیار گرفتاری ها داریم، از این رو نمی توانیم به همهٔ هدف خود برسیم. شما قدر آسودگی خویش را بشناسید، کشور را رشد دهید. کشور فقط در حال آزادی مردم رشد می کند. مردم که آزاد بود خودش کشور را رشد می دهد. ما باید آنجا در تاجیکستان، شاهد همبستگی دولت و مردم باشیم.

این چیز را من هم برای عام و هم برای خاص گفتنی هستم، دولت خود را، امنیت خود را، در این محیط فتنه بار نگاه دارید. امروز ما می بینیم که با نام حرکت اسلامی ازبکستان و دیگرها گاهی (در تاجیکستان) نا آرامی می کند، ما می گوئیم بروید در کشور خود تان، با نظام خودتان جنگ کنید، دولت تاجیکستان با مخالفین صلح کرده است مشکلی ندارد. خلاصه ما این را برادرانه می گوییم، اگر این فرصت از دست برود دیگر جمع کردن تاجیکستان مشکل است. محتاط باشید.

اجازت نمی دهد که حکومت داشته باشید... بیائید همین رهبر جوان را که همه قبولش دارند، دستگیری کنید و دولت تاجیکستان را بسازید. باری از تخار تا بدخشان در ماشین این گپ ها را فهماندم. امام علی رحمان یک شانس تاجیکان و تاجیکستان است.

و آخرین پیام من این است از خدا طلب می کنم که تاجیکستان آباد، آزاد و درجهت پیشروی باشد و برای شما نیز جناب داکتر که مهربانی کردید، من خوش حال شدم از دیدار شما. همه را خصوصاً برادرم رئیس جمهور را اگر دیدید سلام بگوئید...

(کابل ۲۰۱۱-۰۴-۲۷ ساعت ۱۲:۳۰)

وقتی استاد ربانی سخن خود را برای دولت و ملت تاجیکستان می گفت بنده با تمام وجود به سیمای نورانی این سیاستمدار کهن سابقه، می نگریستم او بسیار آرام با اندیشهٔ عمیق با تأمل و مسؤولیت و با ملاحظهٔ تمام، پیرامون موضوع سخن می گفت. او تمام وقت به یک نقطه نگاه می کرد و به نظرم، در طول این گفتار روندهای پرشور جهانی، فضای پیچیدهٔ منطقه، نقشه های شوم قدرت ها و ابرقدرت ها، منافع نیروها و گروه ها و واقعیت های داخل و اطراف تاجیکستان که او از تمام آن بسیار خوب آگاه است، پیش چشمان او می گذشتند و دور می زدند. و او همچون پیرخردمند سیاست، همچون پدر دوراندیش بر آن می اندیشید که کشور و مردم تاجیکستان را که برای او هرگز بیگانه نیستند از فرو رفتن به این طوفان برحذر دارد. کشوری را که در صلح آن، در حفظ دولتداری آن، در حفظ استقلال آن، خلاصه در نجات آن، نقش او نیز کم نبوده است...

استاد ربانی هنگامی این صحبت که برای عام گفته می شد، گویا روی میدان مین ها راه می رفت که در سخن خود چه گفتنی ها بگوید و چی نگفتنی ها را نگوید... زیرا در چنین محیط، در چنین سطح، در چنین سمت، از چنین فاصله و در چنین مسئله، گاه ها گفتن مشکل است و گاه ها نگفتن مشکل و نهایت این استاد پر تجربه سیاست هم گفته و هم نگفته... به گونه ای که درک و دریافت گفته و نگفته های او به سطح فهم شنونده واگذار شد.

⇦



نظر خواهی در باره پیام استاد برهان الدین ربانی:

استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح افغانستان و سابق رئیس جمهور این کشور، توسط نشریهٔ ملت به مردم تاجیکستان و به رئیس جمهور امام علی رحمان پیامی فرستاده و تاجیکان را به بیداری سیاسی دعوت کرده است.

استاد ربانی در این پیام خویش، مردم تاجیکستان را به همبستگی فراخونده، گفته است که، هشیاری سیاسی را از دست ندهید. به گفتهٔ او برخی از کشورهای خارجی می خواهند تا بی ثباتی را در کشورما طرح ریزی نمایند. استاد ربانی در پیام خویش چنین ابراز کرد که، وظیفهٔ تاریخی تمام نیروها در تاجیکستان این است که، دولت و وضعیت موجوده را حفظ نمایند.

پس از شنیدن این پیام باید دیگر به این نقطه برگردیم که، استاد برهان الدین ربانی کیست و پیام او چه اهمیت دارد؟

جواب: او از سابقه دارترین سیاستمداران تاجیک، از با تجربه ترین رهبران سیاسی، از آگاه ترین شخصیت های منطقه، شخصیتی که روندهای داخلی و منطقه ای و جهانی را از داخل می داند، می شناسد و آگاه ها می سازد و علاوه بر این زندگی، تاریخ و تجربه نشان داده است که، استاد برهان الدین ربانی به همه معنی دوست است، دوست مردم تاجیک، دوست دولت تاجیکان، دوست رهبر تاجیکان. پس پیام او از عمق تجربهٔ او، از اوج آگاهی از حسن دلسوزی و از سر دوستی بیرون آمده است. در پیام او هیچ غرضی نیست، جز صمیمیت و نیکویی. پیام جدی و آگاهانه ی دوست کهن تجربه و کار دیده. پس در این مرحلهٔ حساس تاریخ، در این محیطی که بسیار کشورها در پیش چشمان مان بر گرداب فتنه و ناامنی فرو می روند، این پیام را همگان باید به گوش جان و خرد بشنویم، چه دولت و چه مردم.

داشتن دولت به عنوان یک سپر، مسئلهٔ بسیار اساسی است. همه نیروها و همهٔ مردم باید بدانند که امروز حفظ دولت اصل است، اول دولت، بعد از آن ایدیولوژی ها، طرح ها و هدف دیگر. دیگر اینکه برای همه در تاجیکستان امروز حفظ امنیت ضرور است، من از تمام مردم تاجیکستان خواهش دارم که امنیت را همچون یک وجیبهٔ دینی و وظیفه شرعی خود حفظ کنند. من از طریق های گوناگون اطلاع می گیرم که بسیار نیروها در خارج، آرامی، استقرار و ثبات تاجیکستان را نمی خواهند...

چون دیدم که استاد ربانی به فکر ماست، رفتیم سراغ مسؤولان، تا در این باره چه اندیشه دارند. سوالی را میان کارشناسان و صاحب نظران مطرح کردیم:

– نظر شما به پیام استاد ربانی در مورد طرح ریزی بی ثباتی در تاجیکستان، از سوی بعضی کشورها چیست؟

– محی الدین کبیری رئیس حزب نهضت اسلامی و نمایندهٔ پارلمان تاجیکستان: استاد ربانی هچون یک تاجیک اصیل و پیشوای اسلامی، دلش به تاجیکستان و تاجیکان می سوزد و وظیفهٔ ایمانی و ملی خود را انجام داده است. چون استاد شاهد فاجعهٔ ملت های افغان و تاجیک بود و بیشتر عمرش در مبارزه برای آزادی و آرامش ملت و کشورش صرف شده است. او خوب می داند که منافع کشورهای دیگر اجازت نمی دهد تا در افغانستان صلح برقرار



شود و طرف ها به وحدت برسند. استاد خود شاهد گفت وشنود و صلح تاجیکان بود. قسمتی از این روند را سرپرستی می کرد و برایش صلح و آرامش ملت ما عزیز است. این که خالصانه تاجیکان را نصیحت می کند. توصیهٔ اساسی اش اینست که رهبریت تمام نیروها را در اطراف خود داشته باشد و دوستان را از خود جدا نسازد. شاید خبرهای برایش رسیده است، در مناسبت به دگرگونی ها و فکر می کند که شاید اینجا تاثیر دایره های خارجی بیشتر باشد. برای همین آگاه کرده است که، زیر تأثیر دایره های خارجی نباید رفت. نه تنها استاد ربانی بلکه، اکثر مردم هم به همین نظر است که اینجا بیشتر فشار خارجی هاست بالای مسؤولین کشورما، وگرنه همه مسؤولین خود مسلمان زاده اند و امکان ندارد که با نوامیس خود چنین رفتار نمایند.

– نور علی دولت کارشناس مسایل سیاسی: اصلاً این گپ برای تاجیکستان نو نیست. اینگونه گپ ها از زمان پاشخواری شوروی و بیشتر از آنهم از دوصد تقسیم کنی



آسیا بین امپراطوری انگلیس و روسیهٔ تزاری ادامه دارد. استاد ربانی در سال ۱۹۹۲ قبل از نا آرامی های تاجیکستان به ازبکستان آمده بود و به کریم اُف پیشنهاد نیز کرده بود که، باید جلو ناآرامی های تاجیکستان را گرفت.

کریم اُف باشد می گوید که، ما کار نداریم. اما در اصل کریم اُف نسبت به وقایع تاجیکستان بی طرف نبود. به نظر من این برنامه هنوز از ابتدای قرن ۱۸ شروع شد. پطر اول نقشهٔ به دست آوردن آسیای میانه را کشید و در ابتدای قرن ۱۹ به تبلیغ آن برنامه شروع کرد. از طرف دیگر انگلستان نیز به هندوستان سر در آورد. و در آواخر این قرن بین روسیه و انگلیس تقسیم شدند. امپراطوری انگلیس، پشتونستان را با هندوستان بریتانیایی یکجا کرد و بدخشان را روسیهٔ تزاری دو تقسیم نمود.

این بازی بعد پاشخوری شوروی از نو باز آغاز شدند. طوری گفتم این چیزها، نو نیستند این رقابت بیشتر بین روسیه و بریتانیا بود. و امروز باشد در جهان نوین جای بریتانیا را در سطح بسیار بزرگ و جهانی امریکا گرفته است که، باز همان انگلوساکسون ها می باشند. به همین خاطر اندیشهٔ من اینست که، استاد برهان الدین ربانی هوشدار داده است که، مواردی بسیار است که زمینهٔ تاریخی دارد.

وظیفه ما عبارت از چیست؟ ما باید هوشیار باشیم، این برنامه ها را آشکار نماییم و با اساس منافع ملی عمل نمائیم.

– رحمت الله ظاهر اُف رئیس حزب سوسیال دموکرات



تاجیکستان: این گونه طرح کشی ها اساس دارند. زیرا امروز با ازبکستان و روسیه تا آن درجه مناسبات خوب نیستند. اما از دیگر طرف می باید گفت که، یگان دلیل مشخص که اثبات شده باشد، تا به حال انعکاس نیافته است. در اساس تحلیل این را همچون یک فرضیه خواند. اما برای اثبات آن دلایل دقیق لازم است. لکن من همچون یک انسانی که فعالیت سیاسی دارم باید بگویم که، آن دولت های که نسبت یکدیگر مناسبت خوب ندارند، البته این گونه نقشه و دیگر چیزها دایماً موجود است. راه از همه بهترین، درست به راه ماندن مناسبات بین الدولتی و بین المللی در سطح های گوناگون است. در زمان جهانی شوی یگان مناسبت را بدون یکدیگر فهمی حل و فصل نمودن امکان ندارد. تاریخ این را نشان می دهد که، دیپلوماسی یا مناسبات بین المللی خود به خود پیدانشده اند حتی دولت های بزرگترین هم مجبور می شوند که با دیپلوماسی، یا مناسبات یکدیگر فهمی پیش روند. من به این نظر ام که در صورت بی احترامی و بی اعتنایی بین یکدیگر، یگان پیش روی نمی شود. خصوصاً این را می توان نسبت مناسبات بین ازبکستان و تاجیکستان یا دیگر دولت ها گفت. البته به همه دولت ها به یکباره نمی توان مناسبات را خوب کرد.

رحمت کریم دولت روزنامه نگار: اول آنکه استاد ربانی یک شخصیت آگاه و توانا است. ده سال رهبر دولت بود و از سیاست ابرقدرت ها آگاه است او به منابع اطلاعات امنیتی دسترسی دارد و با وجود آنکه رئیس جمهور افغانستان نیست اما بدون تردید می توان گفت، موقف اجتماعی و سیاسی قویتر از حامدکرزی پریزدنت افغانستان دارد.

پیام او به مرکز های تحلیلی و استراتیژی ما نفارید، زیرا این ها همه بیشتر تحلیل های بر مقامات سیاسی خوشایند را، به بالا پیشنهاد می کند این ها استقلال تصمیم و عمل ندارند.

حوادث سه سال آخر تاجیکستان این پیام را تأیید می کند. برای درک این واقعیت در مقام استاد ربانی هم بودن شرط نیست، حوادث دو سال پیامی شرق تاجیکستان دقیقاً تلاش خدمات خارجی برای بی ثبات کردن



اوضاع تاجیکستان، آب را گل آلود کردن و ماهی گرفتن بود و این کار ادامه دارد. زیرا در تاجیکستان همه روشنفکران می دانند اما یک عده نادیده می گیرند. یک گروه گفتن نمی خواهند و یک گروه دیگر گفتن را بی فایده می دانند. زیرا حکومت فعلی ابتکار را از دست همه گرفته است و جایی برای ابتکار حتی برای روشنفکران باقی نگذاشته است. ثروت های طبیعی و ذخایر مادی به صورت نادرست تقسیم شده و برخی گروه ها از این ناراضی اند. مهمترین اشتباه این حکومت این است که، ملت را می آزارد و گاه ها به اسلام شعار ملی را پیش می گذارد ، اما همین که خرش از جوی گذشت باز سرگرم کار خود می شود. همین که سعید قل بلال (آواز خوان) " از خون سیاوش " را سر کرد، بدانید که مسئله این گره خورده است و نشر این سرود از طریق تلویزیون روشنتر از پیام استاد ربانی است. دل استاد ربانی برای تاجیکستان می تپد زیرا خود او تاجیک است او یکی از مؤلفان صلح تاجیکستان است، او مخالفین دولت تاجیکستان را برای امضای سازشنامه خو سده و همین طور ختم جنگ مجبور کرد. و به این کارش عمر حکومت با پشتیبانی جبهۀ خلقی به قدرت رسیده را در تاجیکستان دراز (تمدید) کرد و مشروعیت بخشید. او این حکومت را بار دیگر در تاریخ به خاطر حق، نجات داده بود. او هنوز باور دارد تاجیک در چهارچوب همین نظام به سعادت خواهد رسید. برای همین دلش می سوزد و هشدار می دهد.

اما من می دانم که اینها به گپ استاد نمی کنند آن وقتیکه بر حرف او عمل کردند منفعت شان همین را تقاضا می کرد که زود تر تسلیم خودکنند به هر وسیله ای.

حالا منفعت شان را در دیگر می بینند. باید گفت که استاد ربانی با وجود آنکه دیگر رئیس دولت نیست اما از نظر شخصیتی و تأثیرگذاری در سیاست منطقه ای از برخی روسای عمل کننده جماهیر دور و نزدیک در منطقه با ارزنده تر و تأثیر گذار تر است.

من از پیام استاد راجع به حق حرمت شدن مؤمن قناعت هم شنیدم اما با وجود احترام بزرگ به استاد، او طبیعت حکومت تاجیکستان را درست نشناخته است. اگر می شناخت یا به نوعی دیگر پیام می داد و یا این کار را نمی کرد، زیرا این ها به حرف گوش نمی کنند آنهائی که اینرا درک کرده اند چشم امید از این حکومت ندارند. اما بازهم حرف های استاد صد در صد درست است. زیرا تاجیکستان با دوکشور اساسی مقتدر در منطقه، روسیه و ازبکستان دچار مشکل است این مشکل برای همیشه دوام نخواهد کرد و می توان پیش آمدن هر اتفاقی را انتظار داشت. حال مثل سال ۱۹۹۲ منافع ازبکستان و روسیه در مورد تاجیکستان به هم آمده است و ازین باید نگران بود. آنها حتماً در پی دسیسه ای در تاجیکستان هستند اما سبب اساسی پیش آمدن این وضعیت خود حکومت است و باید پاسخ آنرا بگوید.


... به رئیس جمهور و ملت تاجیکستان
Милл...
НАШРИЯИ МУСТАҚИЛИ ҶАМЪИЯТӢ - СИЁСИИ ТОҶ...
Паёми Устод Раббонӣ ба Эмомалӣ Р...
«Ман аз тариқҳои гуногун иттилоъ ме...
дар хориҷ оромӣ, истиқрор ва суботи...
намехоҳанд. Плонҳо доранд, ки ин ки...

گزارشی از یک گردهمائی

نوشتهٔ راوی

روز شنبه ۸ اسد ۱۳۹۰ مطابق ۳۰ جولای سال ۲۰۱۱ به ابتکار روزنامهٔ ماندگار و همت محترم احمد ولی مسعود گردهمایی ای در هوتل صافی لاندمارک در کابل تحت عنوان " در جستجوی راه حل" "بررسی وضعیت موجود افغانستان و دورنمای صلح" تدویر یافت. در این گردهمائی جمعی از شخصیت های سیاسی، فرهنگی از نهادهای مختلف، حضور بهم رسانیده بودند.

قبل از آغاز این نشست، دیدن نام های افراد دعوت شده در این گردهمائی که روی میز کنفرانس خود نمائی می کرد نشان از اهمیت این گردهمائی داشت. هرچند تعدادی از آن شخصیت ها نتوانستند در بحث شرکت کنند اما اشتراک بخشی از آنها در بحث هم برای تبیین وزن این نشست کافی بود.

بیشتر شرکت کنندگان در این نشست در شمار اپوزیسیون حکومت تلقی می شدند و به همین دلیل هم بود که شرکت دکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ در این نشست کمی غیرعادی به نظر آمد. وقتی امرالله صالح سابق رئیس امنیت ملی به شوخی خطاب به وی گفت که، این نشست متشکل از شخصیت های اپوزیسیون داخل و خارج حکومت است و جناب شما را ما شخصیتی از اپوزیسیون داخل حکومت می دانیم، رهین با زرنگی خاصی قبل از آغاز محفل به بهانهٔ داشتن ملاقات با معاون اول رئیس جمهور، محفل را ترک گفت!

محفل بعد از تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز شد که شامل چهار بخش بود. بخش اول تحت عنوان "چگونگی مفهوم صلح در افغانستان" به ریاست داکتر طاهر هاشمی برگزار گردید. سخنران اول این بخش وحید مژده بود که بیانیه ای تحت عنوان "تفسیر برنامهٔ صلح حکومت با طالبان و موضع طالبان در قبال صلح" ایراد نمود.

وحید مژده در سخنان خویش حکومت افغانستان را فاقد برنامه به منظور تفاهم با مخالفین دانست و گفت که، تاکنون هیچ گونه تماس مستقیم با مقامات بالا رتبهٔ طالبان صورت نگرفته است. مذاکرات طالبان با خارجی ها هم فقط در محدودهٔ آزادی اسرای دو طرف بوده و موضوع تفاهم و برقراری صلح در این مذاکرات اصلا مطرح نشده است.

وی گفت که دولت افغانستان از طالبان خواهان پذیرفتن قانون اساسی و گذاشتن سلاح بر زمین یا به عبارهٔ دیگر خواهان تسلیم شدن است. درخواست تسلیم شدن از گروهی که خود را برندهٔ میدان نبرد می داند، با بی اعتنائی طالبان مواجه شده است.

طالبان نظام دموکراتیک بر بنیاد رای اکثریت را نمی پذیرند زیرا در قرآن مجید در موارد متعددی رای اکثریت مورد نکوهش قرار گرفته است. طالبان بر بنیاد برداشت های شان از اسلام، تمام مردم را دارای حق مساوی برای دادن رای نمی دانند و علمای دین را دارای حق انتخاب امیر مسلمانان می دانند. یعنی طالبان شورای حل وعقد در انتخاب امیر معتقد اند. بنابراین آنان هرگز نظام موجود در افغانستان را نخواهند پذیرفت.

سخنران دوم این بخش آقای خلیل رومان بود که بیانیهٔ مبسوطی تحت عنوان "پاکستان، منطقه و صلح افغانستان" ایراد نمود. وی در سخنان خویش نقش پاکستان را در نا امنی های افغانستان بسیار مهم تلقی کرد و خواستار فشار جامعهٔ جهانی براین کشور شد.

سخنران سوم این بخش احمدضیاء رفعت استاد دانشگاه کابل بود که وی نیز به مسئلهٔ مداخلهٔ پاکستان در مسایل افغانستان پرداخت. رفعت برای فشار بر پاکستان پیشنهاد نمود تا افغانستان شکایت از مداخلهٔ پاکستان را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ببرد. وی افغانستان درگیر یک جنگ اعلام ناشده از جانب پاکستان دانست.

رفعت گفت، همانگونه که پاکستان در ناامنی های افغانستان دست دارد، در ایجاد صلح در کشور نیز می تواند نقش مهم ایفا نماید. وی گفت که راه صلح افغانستان از اسلام آباد می گذرد.

بخش دوم این نشست تحت عنوان "پروسهٔ انتقال مسوولیت امنیت و پیامدهای آن" تحت ریاست جنرال عبدالحق علومی دایر شد. سخنران اول این بخش داکتر اشرف غنی احمدزی بود.

داکتر اشرف غنی بیانیهٔ خویش را تحت عنوان "آمادگی های نیروهای امنیتی کشور و تحویل گیری مسوولیت امنیت" ایراد نمود و در این مورد به صورت محتاطانه ابراز خوشبینی نمود.

در همین رابطه ناهید فرید عضو مجلس نمایندگان مقالهٔ خود را تحت عنوان "تصویر افغانستان بعد از خروج نیروهای خارجی" به خوانش گرفت. وی در سخنان خویش ابراز خوشبینی نمود که بعد از خروج نیروهای خارجی افغانستان گام در راه ترقی و انکشاف خواهد نهاد. اظهارات خانم فرید خوشبینانه بود.

در همین بخش آقای داود مرادیان نیز بیانیهٔ خویش را تحت عنوان "نقش جامعهٔ جهانی در امنیت افغانستان" ایراد نمود و ابراز نظر کرد که نیروهای خارجی بعد از سال ۲۰۱۴ نیز افغانستان را رها نخواهند کرد. وی در این رابطه به نقش کشورهای منطقه نیز اشاره داشت.

بخش سوم این نشست تحت عنوان لویه جرگهٔ عنعنوی- کنفرانس بن- پیمان استراتژیک، بعد از ظهر به ریاست عبدالحمید مبارز دایر گردید.

سخنران اول این بخش محمود صیقل بود که بیانیه ای تحت عنوان "ضرورت پیمان های استراتژیک و موضع کشورهای منطقه" ایراد نمود. محترم صیقل در سخنان خویش به انواع قراردهای استراتژیک میان کشورها اشاره نموده و امضای چنین قراردادی را برای افغانستان یک ضرورت دانست.

سخنران بعدی این بخش فضل الرحمن اوریا بود که بیانیه ای تحت عنوان "کنفرانس بن دوم و آیندهٔ افغانستان" ایراد نمود. وی کنفرانس بن دوم را فرصتی برای تجدید نظر بر نظام سیاسی در افغانستان دانست. وی ضرورت تجدید نظر بر قانون اساسی افغانستان و به میان آمدن یک حکومت موقت جدید را نیز برای رسیدن به صلح مهم ارزیابی کرد.

از سخنان آقای اوریا چنین بر می آمد که وی کنفرانس بن دوم را تجدید نظر کامل بر اشتباهات کنفرانس بن اول می داند. سخنان وی مورد انتقاد رئیس این بخش آقای مبارز قرار گرفت. وی گفت که مردم افغانستان در طول ده سال گذشته راهی را پیموده که باید ادامه یابد. نه اینکه همه چیز را از اول آغاز کنیم. اوریا می خواست در مورد گفته های خود توضیح بدهد اما به وی اجازه داده نشد.

سخنران بعدی آقای احمد بهزاد بود که در مورد "لویه جرگهٔ عنعنوی و مشروعیت تصامیم بزرگ" سخن گفت. وی این گونه لویه جرگه را فاقد مشروعیت قانونی خواند و تاکید نمود که فیصله های چنین لویه جرگه فقط می تواند حیثیت مشورتی داشته باشد و عمل به این فیصله ها الزامی نیست. به جای آن وی به نقش پارلمان تاکید نمود.

بخش چهارم و پایانی این کنفرانس به ریاست خانم فوزیه کوفی و تحت عنوان "علل ناکامی تاریخی افغانستان و بحث قانون مداری و نظام سازی" بود که سخنران اول این بخش داکتر عبدالقیوم سجادی بیانیهٔ خود را تحت عنوان "پروسهٔ نظام سازی و قانونمندی در افغانستان و علل شکست آن" ایراد نمود. وی ذهنیت قبایلی را مشکل بزرگ در راه نظام سازی و قانون مندی در افغانستان دانست.

از سخنرانان دیگر این نشست خانم داکتر سلطانه پرونتا بود که راه های رسیدن به صلح را در مقاله ای تحت عنوان "چگونه به صلح پایدار برسیم » به بررسی گرفت و تاکید کرد که باید راه های عملی صلح جستجو گردد.

داکتر فرامرز تمنا معاون سخنگوی وزارت امور خارجه، سخنران بعدی این بخش بود که به این سوال جواب داد: "آیا نظام ریاستی کنونی می تواند مهار کنندهٔ همه بحران ها باشد؟"

وی با توجه به اینکه مامور حکومت بود و در عین حال در جمع کسانی سخن می گفت که بیشتر هوادار نظام پارلمانی بودند، سعی کرد تا به صورت بی طرفانه و به دور از تمایلات سیاسی به این مسئله بپردازد. او مزایا و تواقص هردو نظام را برشمرد و در نهایت به این نتیجه رسید که افغانستان هنوز در حدی نیست که بتواند با نظام پارلمانی اداره شود. این نظر به جرو بحث های طولانی و تئوریک انجامید.

در جریان صحبت ها در این کنفرانس که از صبح تا ساعت هفت شام به مدت حدود نه ساعت انجامید، در وقفه ها فرصت تبادل نظر برای سایر شرکت کنندگان که سخنرانان رسمی این نشست نبودند نیز داده شد که هر کدام نظریات خود را با دیگران شریک ساختند و به پر محتوی تر شدن مطالب ارائه شده افزودند.

در پایان این گردهمائی آقای ترشتوال استاد دانشگاه با بیان زیبای خویش به جمع بندی مطالب ارائه شده در این کنفرانس پرداخت. احمدولی مسعود نیز در پایان ضمن امتنان از حوصله مندی شرکت کنندگان وعده داد تا مرکزی برای تبادل نظر میان نخبگان کشور را اساس بگذارد.

به صورت کلی این گردهمائی جالب بود و در سطح بلندی برگزار گردید اما مشکل عمده، تنوع مسایل مورد بحث بود که در چهار محور مطرح شد و دامنه بحث ها را بسیار وسیع ساخت. در حالی که هرکدام از این محورها می توانست موضوع یک کنفرانس چند ساعته باشد. به همین دلیل بود که در پایان، بحث ها به جای اینکه به نشاندهی راه های عملی برای رسیدن به صلح بینجامد، بیشتر به بحث و فحص روی مسایلی کشیده شد که بیشتر تئوریک و آرمانگرایانه بود.

نگرانی از آیندهٔ کشور و بازگشت طالبان در سخنان همه شرکت کنندگان که فرصت سخن یافتند منعکس یافت اما آقای عبدالحفیظ منصور عضو مجلس نمایندگان، نگرانی از به قدرت رسیدن مجدد طالبان را به این دلیل که جامعهٔ جهانی، کشورهای همسایه و مردم افغانستان خواهان به قدرت رسیدن آنان نیستند، بیجا دانست.

در این نشست لااقل در یک مورد، صدائی به حمایت از تجزیه طلبی هم بلند شد و آن نیز صدای جاوید کوهستانی بود. وی راه حل عملی برای مشکل افغانستان را تجزیهٔ این کشور دانست بدون اینکه به جزئیات مسئله بپردازد ولی گردانندگان محفل با نظر وی مخالفتی نکردند.

ماه مبارک رمضان در چنبرهٔ ...

مردم ماه مبارک رمضان را با جنگ و گرانی مواد اولیه استقبال نمودند که هر دو با دستورات دین حنیف ما سازگاری ندارد و هر چند نمی شود، این دو موضوع را با هم در یک سطح سنجید و قرار داد؛ اما به طور واضح دیده می شود که طرف های درگیر در افغانستان و هم تاجران و بازرگانان کشور حرمت ماه مبارک رمضان را مراعات نه کرده اند. مخالفان دولت در روز دوم ماه مبارک رمضان، یک شرکت امنیتی را در کندز مورد هدف قرار دادند. که یازده زخمی و کشته که بیشتر آنها غیر نظامیان بودند، به جا گذاشت. ماین های کار گذاری شده در کنار جاده نیز قربانی هایی را در روز نخست و دوم رمضان به همراه داشته است. بر اثر بمباردمان نیروهای خارجی در روز نخست رمضان در ولایت نورستان چهار پولیس کشته و شماری زخمی شدند. اینها همه نشانه های واضح از بی حرمتی درین ماه می باشد.

دولت و مخالفان آن درین ماه بدون مجوز شرعی به تخطی هایی دست یازیده اند که نمی توان از آن انکار کرد. کشتن کودکان، انتحار و انفجار، بی رحمی در برابر زنان و بزرگ سالان، نه تنها در ماه مبارک رمضان؛ بلکه در همه ماه ها توجیه اسلامی ندارد. شماری از بازرگانان به دنبال خواسته های نفس سرکش خویش اند و در ماه مبارک رمضان، به افزایش قیمت ها مبادرت می ورزند. مردم کابل و سایر شهر های بزرگ شاهد افزایش و گرانی قیمت مواد اولیه در ماه مبارک رمضان اند. اکثریت مردم در شهر کابل و شهر های مختلف کشور، فقیر و کم درآمد می باشند و نسبت در آمد پایین به مواد اولیه؛ مانند: آرد، روغن، برنج، شکر، نیاز دارند در صورت گرانی این اجناس، بدون شک زندگی این مردم فقیر با دشواری های مواجه می باشد. زندگی مردم افغانستان در جوانب مختلف با آفت های مدهش همراه می باشد. جنگ های چند دهه، قدرت طلبی دستگاه حاکم، دست های ناپاک خارجی، بی کاری گسترده، نبود درآمد کافی، حکومت نا کارآمد، فساد گسترده، موجودیت گروه هایی مافیایی زمین، سرمایه و سیاست که افغانستان را در محاصره قرار داده است. افزون براین، خشک سالی، توقف صدور کالا های مورد تیاز مردم در مرز های این کشور و همسایه های طماع بر این دشواری ها افزوده است.

هزار ها کارمند دولت که دارای یک مستمری (سه هزار افغانی) اند و با این حقوق باید تمامی نیازمندی های ماهانه خود را به دست آرند. به موازات آن ده ها هزار انسان، روزانه از خانه های خود به خاطر کار به جاده ها سرازیر می شوند و چهره های رنگ پریدهٔ آنها وجدان هر انسان را ناراحت می سازد.

ماه مبارک رمضان در فرهنگ اسلامی ما، ماه ایثار و مساعدت به همنوعان می باشد. هر فرد مسلمان مکلف است تا در این ماه برای همنوعان خود، دست کمک دراز کند؛ زیرا دستگیری بینوایان و فقیران جزء از فرهنگ اسلامی و دینی ما محسوب می شود. یکنوع فعالیت زنجیره یی در ایجاد قیمت ها و گرانی فروش وجود دارد مدیریت ضعیف، خشک سالی های ممتد، حکومت بی برنامه، تاجران سودجو و طماع، سیستم مافیایی قدرت، ثروت و سرمایه، بر دشواری های زندگی افزوده است.

کشور های همسایه هم همیشه در برابر افغانستان به کمین نشسته اند، و به اصول ترانزیتی و معیار های بین المللی کمترین اهمیت را در برابر افغانستان قایل اند و این کشور ها در بلند رفتن قیمت ها در افغانستان در ردیف نخست قرار دارند، ماه ها کالا های مورد تیاز مردم در بنادر این کشور ها توقف می نماید و قسمت اعظم مواد غذایی در کانتینر های تعبیه شده در بنادر این کشور ها فاسد می گردد. این کشور ها حاضر به ورود این کالاهای مورد نیاز به وقت و زمان آن به افغانستان نمی باشند.

این ها و عوامل دیگر بر مشکلات اقتصادی کشور ما افزوده است. همین اکنون در حدود ۵۰۰۰ کانتینر مواد غذایی تجار افغانستانی در بنادر کراچی و سائر بنادر پاکستان وجود دارد که اجازهٔ ورود آن را به داخل افغانستان نمی دهند. توقف کالاهای تجار افغانستان در بنادر پاکستان از سناریوی سال های آخیر بین افغانستان و پاکستان می باشد. پاکستان از چند جانب کشور ما را فشار می دهد، از یک طرف این کشور شاهرگ های اقتصادی را به روی افغانستان می بندد، در حالی که افغانستان به مثابهٔ یک کشور محاط به خشکه حق دارد تا کالاهای آن بدون اتلاف وقت از نظر ترانزیت بین المللی داخل افغانستان گردد و پاکستان مسوولیت دارد تا در این راستا کشور افغانستان را مساعدت نماید، پاکستان بدون در نظرداشت یک چنین قوانین بین المللی که خود آن را امضاء نموده است، بر خلاف آن عمل می نماید.

بعد از ملاقات هر هیئت عالی رتبهٔ این کشور به افغانستان، وعده سپرده می شود که به محموله های گیرمانده در بنادر پاکستان اجازهٔ ورود به خاک افغانستان داده می شود؛ اما طوری که دیده می شود جریان انتقال این محموله های حیاتی، جریان طبیعی خود را پیدا نکرده و بعد از چند مدت، باز همان فشار های اقتصادی از سوی پاکستان در برابر افغانستان، از سر گرفته می شود. هر چند اتاق های تجارت و صنایع افغانستان به هدف کاهش قیمت ها وعده سپرده اند، باید انتظار کشید ماحصل این وعده ها چی خواهد بود. به هر حال مقصر اصلی در بلند رفتن قیمت ها، نبود یک برنامهٔ منظم اقتصادی و منحصر بودن تجارت به کشور پاکستان است، تا زمانی که بدیلی جدیدی به ورود کالا های تجارتی در افغانستان در نظر گرفته نشود، این مشکل کماکان ادامه خواهد داشت.

نذرالله عنایت

انتقال مسوولیت های امنیتی در گرو قابلیت های امنیتی

ادامه از صفحهٔ اول

که شهروند از هر لحاظ خود را مصؤن و بیمه شده در برابر خواست های زندگی احساس نماید.

پدیدهٔ امنیت تنها حفظ نظم ظاهری در جامعه نیست، بلکه یک فرایند ارکانیک است که تمام ساحات زندگی شهروندان را احاطه می نماید.

به نظر کارشناسان، امنیت غذایی و امنیت صحی در صدر تمام خواسته ها و نیازمندی های آنان قرار دارد. بحث امنیت را اگر خواسته باشیم به طور همه جانبه مورد مداقه و بررسی قرار بدهیم از موضوعی که می خواهم دنبال کنم، خارج می شویم.

بدون شک در حال حاضر افغانستان در بستر و عمق بحران امنیتی قرار دارد. بیش از سی سال است که دشمنان مردم افغانستان پیوسته از مردم ما قربانی می‌گیرند. همچنان دیده شد که تشدید بحران امنیتی در آستانه فرایند انتقال امنیت از سوی دشمنان قسم خورده کشور اضافه تر گردیده است.

قتل های زنجیره ای که به منظور برهم زدن امنیت صورت گرفت نمونه های بارزی آن را طی ماه ها و هفته های گذشته بر ملا ساخت. افغانستان در گذشتهٔ نزدیک، در سوگ عزیزانی نشست که انتظار می رفت پروسه انتقال امنیت با حضور آنان به یک برنامهٔ مؤفق و امیدوار کننده تبدیل شود.

دشواری کار زمانی محسوس می گردد که برخی این ترورها و انتحار ها از داخل صفوف نیروهای امنیتی به منظور قتل نخبگان سیاسی و امنیتی کشور رهبری شده و صورت می گیرد.

احمد ولی کرزی توسط محافظ شخصی اش به قتل رسید. چگونگی حادثهٔ تخار با افراز پنج کمر بند امنیتی می رساند که دستانی در داخل نیروهای امنیتی حضور داشتند که عمل ترور فرمانده زون ۳۰۳ پامیر را مؤفقانه انجام دادند.

در روز های نزدیک لطف الله مشعل سخنگوی امنیت ملی از بازداشت یک افسر بلند رتبهٔ ارتش خبر دادکه به قول او قصد داشت عملیاتی خطر ناکی را در میان هوایی کابل انجام بدهند.

چندی پیش از دستگیری یک گروه هفت نفری که شامل پولیس ملی در پکتیکا بودند و می خواستند بسم الله محمدی وزیر داخله را هنگام بازدیدش از مرکز پولیس آن ولایت ترور کنند خبرداده شد.

نمونه های زیادی به رسانه ها گاه گاهی رسیده است که از صفوف نیروهای امنیتی برضد نظام و امنیت کشور استفاده شده و عملیات های مشابهی را انجام داده اند و یا هم در مواردی نیروهای امنیتی قادر به مهار نمودن " برنامه‌های دهشت افگنی مخالفان مسلح بگونهٔ آن چنانی و قابل ملاحظهٔ نشده اند.

این که چرا نیروهای داخلی ما نمی توانند به تنهایی در برابر توطیه های دشمنان این مرزبوم ایستادگی نمایند کارشناسان عوامل متعددی را بر می شمارند.

عدم همکاری شهروندان:

در کشورهای نظام مند، در پهلوی نهادهای امنیتی، هر شهروند احساس مسوولیت می کند و در کنار ارگان های امنیتی خویش برای نهادینه شدن امنیت، رفاه آسایش محیطی تشریک مساعی می‌نمایند.

این شهروندان هستند که امنیت را به کشور بر می گردانند، با رفتارهای هنجارمندان شان جلو هرنوع خود سری و قانون شکنی را می گیرند. چیزی که متأسفانه به دلایلی زیادی شهروند افغانستان به آن مرحله نرسیده است.

پولی بودن نیروهای امنیتی:

در دیگر دنیا نیروهای انسانی که در صفوف ارتش و پولیس ... شامل خدمت می شوند، با معیارهای پذیرفته شده و روحیهٔ ملی و وطن دوستی شامل صفوف می شوند و حراست از کشور را وجیبهٔ دینی و ملی خود می دانند.

با تأسف در جامعهٔ ما به جای نهادینه نمودن فرهنگ مسوولیت پذیری کارهای صوری و نمایشی صورت می‌گیرد که کارآمدی چندانی نداشته است.

تجربه این روند نشان داده است، برخی کسانی که به صفوف اردوی ملی می پیوندند بدون در نظر داشت شاخص های فوق مزدبگیران بیش نیستند، تا محافظان واقعی میهن. زیرا سرباز قراردادی پیش از این که بر منافع علیای مملکت بیاندیشد، بر منافع زود هنگام خود فکر می کنند.

بیکاری بهانهٔ برای پیوستن به نیروهای امنیتی:

از سوی دیگر آمار بی کاری در کشور بیداد می کند و با پیوستن افراد قراردادی که اکثریت شان از میان جوانان لمپن و بیکاره برخاسته است، تنها کمیت نیروهای امنیتی افزایش می یابد تا کیفیت.

پیوستن به صفوف ارتش و پولیس اکنون به یک برنامهٔ تفریحی و در نهایت کاریابی تبدیل شده است. حالا هرجوانی که بیکار باشد و توانایی سفر کردن را به کشورهای خارجی،به ویژه ایران و پاکستان جهت پیدا نمودن کار نداشته باشد، به صفوف نهادهای امنیتی می پیوندند.

کارگزاران این عرصه با تأسف بدون این که انگیزهٔ اصلی جوانان را خوب درک کرده باشند، فقط با تکمیل نمودن لست و ارائهٔ آمار در فیصدی این نیروها هر قسم افراد را جذب می نمایند.

دشمنان با استفاده از در واژه های باز این نهادها هنگام جلب و جذب به سادگی افراد خود را وارد می سازند و در وقت مناسب توسط آنان به شکار می پردازند که در چندین موارد تیر شان به هدف خورده است.

فرار درصفوف نیروهای امنیتی:

از سوی دیگر جوانانی که باخانواده ها و جامعهٔ محلی خویش مشکل پیدا می نمایند و از آنان می بُرند و به صفوف اردو و پولیس می پیوندند. همین که چند ماه معاش، مکافات مجازات را به دست آوردند دوباره فرار می‌نماید. به خصوص وقتی دیدند که رفیق همسنگر شان در پیش چشمان شان کشته می شود و نمی دانند که برای چه کشته شده است، از بیم این که مبادا فردا به سرنوشت احمد و محمود روبرو نشوند فرار را بر قرار ترجیح می دهند.

بی سوادی نیروهای امنیتی:

بی سوادی معضل دیگری است که سراسر نظام امنیتی کشور را احتوا نموده است. در ساختارهای امنیتی کشور ۸۰ در صد افراد رده های پایین از نعمت سواد بی بهره هستند. تازه آنانی را که وزارت هایی مربوط ادعا دارند، با استفاده از کورس های سواد آموزی با سواد شده اند، ادعای محض است و هرگز این افراد صاحب سواد شعوری نمی شوند. کشورهای خارجی برای باسواد ساختن افراد منسوب به قوای مسلح برنامه دارند. کارگزاران اصلی کشورها افرادی را که هم از نقطه نظر جسامت و هم از نظر هُوش متفاوت تر ، نسبت به همسالان خود هستند شامل صفوف قوای مسلح می سازند و در مقاطع مختلف به مراکز آموزشی می فرستند. از نقطه نظر اصول و معیارهای علمی برنامه آموزش نیروهای امنیتی کشور که دوستان خارجی آن را برای باسواد ساختن افراد نیروهای امنیتی نسخه تراشی می نمایند، غیر عملی و علمی می باشد.

تجربه نشان داده است که اتحاد جماهیر شوروی سابق افرادی را از افغانستان به خصوص ماورای خط دیورند به کشورهای سوسیالیستی در دوران جنگ سرد می فرستاد و بادادن دیپلوم سرخ گویا آنان را باسواد می ساخت و به افغانستان اعزام می نمود. در حالی که برنامهٔ آنان صرف به منظور انحراف افکار جوانان و آشنایی آنان به روسپی خانه ها و فرهنگ شوروی سابق بود. نتیجهٔ وابستگی های فکری و انحرافات اخلاقی افغانستان را به کام اژدها فرو برد و آتشی را که توسط کودتاگران ۷ ثور ۱۳۵۷ شعله ورشد، هنوز جرقه های آن مردم افغانستان را می سوزاند. **امروز امریکا با چنین یک رویکردی عین اهداف را دنبال می کند. به طور مثال، این کشور متمدن دنیا، افسران مکتب نه رفتهٔ ارتش افغانستان را در مدت ۱۷ ماه مدرک ارکان حربی می دهد. ارکان حرب معادل مدرک دکترا بالاترین مدرک علمی در علوم نظامی است. وقتی دیده می شود افسرانی را که مدرک صنف دوازده، لیسانس و ماستری ندارند و به یکبارگی مدرک ارکان حرب از بزرگ ترین کشور با سواد دنیا اخذ می نماید، آدم حیران می ماند؟**

نبود انگیزه:

ایجاد انگیزه در درون افراد برای دفاع از تمامیت ارضی یکی از اصول پذیرفته شده در تمام دنیا می باشد. انگیزه دادن به افراد بی سواد به منظور رسیدن به قلعه های بلند ملی دشوار است.

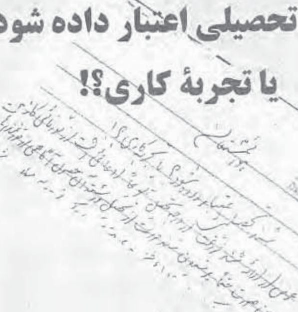
شگاف های قومی:

تضادهای قومی و انتخاب افراد به اساس سهم قومی و انحصار کرسی ها بر محور قوم از آفت های دیگری است که نیروهای امنیتی به ویژه، دامن وزارت دفاع ملی را فراگرفته است.

بنا برآن با چنین وضعیت و اوصافی که به طورکوتاه از چیستی و چگونگی نیروهای امنیتی بر شمرده شد، انتظار بهتر شدن اوضاع امنیتی در سطح کل و دفاع مستقلانه توسط نیروهای داخلی محتمل به نظر می رسد.

نامه ای وارده

سند تحصیلی اعتبار داده شود یا تجربهٔ کاری؟!



غرض از ارائهٔ سند فراغت از درجهٔ تحصیل تلویحاً ادعایی است از توانایی کار. درین صورت حتماً پرسیدن سند فراغت از تحصیل و رشتهٔ آن، حصول آگاهی از توانمندی هاست تا نتیجهٔ که ازین مقاولهٔ شخصیت های حقیقی و یا حکمی به دست می آید مطلوب باشد. در اواخر این تعامل در مقاولات دولتی و غیر دولتی « اتکاء به اسناد سند فراغت تحصیلی» به حدی معمول شده، قریب است تجربه و توانایی از معیارها حذف شود. منطقی اگر فکرشود تعلیمات و تحصیلات نظری تا تمرین و کارهای عملی، زمین تا آسمان تفاوت دارد و اگر مدت تمرین و تجربهٔ کار بعضی چهره ها عبارت از مأمورین چه اداری و مسلکی و چه تربیوی، تقسیم بندی به سال تحصیلی و یا تعلیمی شود یقیناً بکلوریا پاس سی سال قبل به سویهٔ ماستر و بالاتر از آن، امروز خواهد بود.

اگر کیفیت درس تعلیم و تربیه و تحصیل سی سال قابل انکار باشد تمرین و تجربهٔ کاری و مسلکی آن شخصیت ها قابل انکار نیست. حقیقتی است مشهود و غیر قابل انکار.

با آمدن شرایط سهل طی چندین دهه برای تعلیم و تحصیل و با موسات تعلیمی و تحصیلی خصوصی آن در آینده چه گلی را و بکدام رنگ ها به آب می دهد، انتظار آن را درین خاک نسل بعدی باید بکشد.

شب و روزی که می گذرد این بحران نقطهٔ را به بحران می کشاند و چهرهٔ با تجربه ای شغل خود را از نداشتن سند تحصیلی بالا از دست می دهد. این آسیب تقریباً همگانی بوده خصوصاً به فارغین سابقه دار مدارس دینی در خلال چند سال آسیب بیشتر رسانیده است. متخصصین امور و مقامات ذیصلاح اگر به خاطر داشته باشند شمولیت در مدارس دینی کار ساده و آسان نبود. معیار و شرایط شمولیت آن، نظر به دیگر موسسات تعلیمی و تحصیلی سخت تر در نظر گرفته شده بود. بیجا نخواهد بود اگر ادعا بکنیم شمولیت در مدارس دینی در سابق، مشکل تر از اخذ سند فراغت تعلیمی امروز بود. فارغین بکلوریای آن زمان با ماستر و داکتر امروز قابل مقایسه نیست – اهل تحقیق و خبره چهره های مسلکی می دانند من چه می گویم. امتحان سخت از داوطلبان مدارس خصوصی با وضع شرایط نمرات عالی و دو سال تنزیل از صنف برحال مکاتب رسمی، تطبیق پروگرام درسی با نصاب تعلیمی بلند (در ظرف نه سال) با ساعات تعلیمی پنجاه دقیقه و چهل و پنج دقیقه با یک تفریح روزانه شش ساعت را تاریخ تعلیم و تحصیل در افغانستان کمتر به خاطر دارد.

تاریخ نیز شاید اینگونه بی انصافی را کمتر به خاطر داشته باشد که فعلاً جریان دارد. امید که مسؤولین امور و ادارات ذیصلاح توجه فرمایند.

استاد غلام محمد غوث
حیرت فاریابی

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ هجدهم ۱۵ اسد ۱۳۹۰ ٦ رمضان المبارک ۱٤۳۲ - 6 August 2011

ماه مبارک رمضان در چنبرهٔ جنگ و قیمت ها

تکساري

روزه برای انسان معنویت می بخشد و کسانی که در آسایش و رفاه زندگی می کنند؛ درین ماه با گرفتن روزه از حال فقراء و مستمندان آگاه می گردند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: بندهٔ مومنی که در استقبال ماه مبارک رمضان آمادگی داشته باشد، خداوند (ج) بهشت را در استقبال او آماده می سازد. و خداوند(ج) می فرماید: روزه خاص برای من گرفته شده و من خود پاداش روزه دار را از نیکی و ثواب می دهم.

دستورات اکید اسلامی برای ما هدایت می دهد که روزه را با بهترین وجه آن باید پاسداری کرد. از غیبت، فحش، ناسزا و ضرر رساندن به همنوعان خود درین ماه مبارک پرهیز کرد، و این ماه، ماه خیر و برکت و خیر رساندن برای برادر مسلمان است. در موجودیت یک چنین هدایات محکم و استوار، دیده می شود که این ماه مبارک با جنگ و افزایش قیمت ها همراه می باشد. ایجاب می کرد که درین ماه به طور کامل جنگ و خشونت ها پایان داده می شد؛ اما این ماه فیض و برکت با کشتار انسان ها در هر دو طرف خط جنگ ادامه پیدا کرد. جنگ، خشونت و گرانی قیمت مواد اولیه از ویژگی های این ماه مبارک رمضان است. ص۶



ماه مبارک رمضان که بهترین و نفیس ترین تحفه از جانب پروردگار برای بندگان مسلمان است. این ماه، ماه تقرب جستن به سوی پروردگار است. ماه مساوات و برابری و با خبر شدن از حال و زندگی یکدیگر است؛ به ویژه از زندگی کسانی که در فقر، تشنگی، گرسنگی به سر می برند.

نمایندهٔ ویژهٔ آلمان برای افغانستان و پاکستان

آمادگی کشورش را برای میزبانی بُن دوم ابراز کرد

* فیض *

بنا به گفتهٔ رسانه ها، نمایندهٔ ویژهٔ آلمان برای افغانستان و پاکستان، از آمادگی کشورش برای میزبانی کنفرانس بن دوم که قرا راست در آلمان دایر و روی موضوعات جاری افغانپستان بحث و تبادل نظر صورت گیرد، خبر داده است.

نمایندهٔ ویژه ای آلمان در سفری که به تاریخ ۱۱ اسد به کابل داشت و در ملاقاتی که با وزیر خارجه گفته است، کشورش در کنفرانسی که در ماه دسمبر در بن دایر می شود، آمادگی دارند.

به گفتهٔ سخنگوی وزارت امور خارجه، در این کنفرانس (بن دوم) روی بهبود در حکومتداری، آمادگی ها برای عقد موافقتنامه ها و قرارداد ها با کشورهای دیگر و غیره مسایل؛ شامل بحث خواهد بود. اما آگاهان امور بدین باورند که، هدف از برگزاری بن دوم، کشانیدن طالبان و آقای حکمتیار و سهم دادن شان در دولت افغانستان خواهد بود و قرار است تمام قوت های مخالف مسلح دولت و طرف های نیرومند در این کنفرانس فراخوانده شوند. گفته می شود آقای کرزی به این نظر است که، طرف اصلی این کنفرانس فقط دولت افغانستان می باشد و در صورتی که از گروه ها و شخصیت های مختلف دعوت بعمل آید، دولت در آن اشتراک نخواهد کرد. سفیر امریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی در کابل گفته است که در کنفرانس بُن دوم طالبان حضور ندارند و گردانندگی آن به دوش دولت افغانستان می باشد.

بن اول پس از سقوط حکومت طالبان در ماه قوس سال ۱۳۸۰ در شهر بُن کشور آلمان دایر گردید، که مطابق فیصله های آن کنفرانس، دولت موقت تشکیل شد، انتخابات های ریاست جمهوری و شورای ملی و شوراهای ولایتی برگزار شد، اردوی ملی و پولیس ملی تشکیل گردید، جهت تأمین امنیت، مطابق پیشنهاد نشست بُن شورای امنیت ملل متحد قوای ایساف را اجازه یافت تا داخل افغانستان شوند که تا ۲۰۱۴ حضور خواهند داشت، به خاطر حکومت داری خوب کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی ایجاد شد و ...

در حالی که آجندای نشست بُن دوم تا حال از دید مردم افغانستان پنهان است. اما هر نشست و کنفرانس و همایش و محفلی که فیصله های آن به سود شهروندان کشورما بینجامد و عدالت در آن تأمین شود، مورد حمایت می باشد. در نشست هایی که ضربه زدن به خواست های مردم و کشورما باشد، و نیرنگ هایی به خاطر منفعت، منفعت جویان پیریزی شده باشد از نظر مردم افغانستان مردود بوده و در تصامیمی که پشت درهای بسته و دور از انظار مردم صورت گیرد، به یقین که مردم ما به آن وقعی نخواهند گذاشت.

د پاکستان حکومت د سختو گواښونو...



غوښتنه کوله چې یو پخواني لومړي وزیر نواب اکبر بګټي وروستي دریځونه او کړنلارې هم د همدغه تصور زیږنده وه او بالاخره یې نوموړي د پاکستان د مرکزي حکومت سره د سر جنګې په پوله ودرولی وو او په همدې لپاره کې یې قرباني ورکړه.

همدغه تصور د سندهـ آیالت د کراچۍ په ښار او ځینو نورو سرحدي سیموکې د مهاجرو د قومي مومنټ مشرانو سره دی چې ګویا د پاکستان مرکزي حکومت یې حقونه پایمالوي او د کراچۍ په لوی ښارکې د دغه غورځنګ پراخ شتون او نفوذ همیشه د پاکستان په دولت او هر حکومت باندې ډیرغټ فشاروي او د همدې دګواښ لامله که هر حکومت غواړي چې په کراچۍ ځان ټینګه کړي او د خلکو امنیت تامین کړي نو باید د مهاجرو قومي غورځنګ ته په حکومتي امتیازاتو کې پراخه او ډېره ونډه ورکړي چې ډیر ځلي دغه کار بیا په سند آیالت او په ځانګړې توګه په کراچۍ کې د نورو قومونو د حقونو د تلف کېدو لامل ګرځي او د بې ثباته حکومتونو په وړاندې ستر ګواښونه راولاړوي لکه چې همدا اوس هم د خلکو عوامي ګوند د مهاجرو د قومي مومنت له باور څخه د بې برخې کیدو په نتیجه کې له سخت فشار سره مخ شویدي او له یوې اوږدې مودې راهیسې پدغه ستر پاکستاني ښارکې د ناامنۍ پرله پسې پېښې ډیریږي او هره ورځ پدغه لوی ښارکې د نامعلومو کسانو لخوا وژنې تر سره کیږي، د تیرې اونۍ په دوران کې په یوه پیښه کې د دیارلسو تنومړي چې په بوجیوکې بند وو د یو پله لاندې موندل شوي وو او له هغې پیښې پرته ګڼې داسې پېښې رامنځته شوې چې پدغه سیمه کې د وژل شوو کسانو شمېرې یوکم څلویښتو تنوته ورسولو دا پداسې حال کې ده چې د تیرې میاشتې وژنې هم کمې نه وي، څکه د پاکستان پدغه تاریخي ښارکې د تیرې میاشتې په دوران کې دوه سوه کسه وژل شویدي او د تیرکال په دوران کې بیا د وژنو دغه شمېره (۱۱۳۸) تنوته رسیدلې ده چې لامله یې د دغه سوداګریز ښار حالت ډېر خراپ کړیدې او د خلکو خوبونه یې تښتولي دي چې په طبیعي توګه د پاکستان پیپلز پارټۍ (دخلکو ګوند) باندې باور نور په ولس کې ډیر زیات کم شویدی او لکه چې په افغانستان کې د افغانیو د نرخ د ساتلو لپاره زمونږ حکومت هره ورځ بې حسابه ډالر بازار ته عرضه کوي، همداسې امریکا هم د خلکو ګوند د واکمنۍ د ساتلو لپاره د پاکستان موجوده حکومت سره د ترهګرۍ(؟) پر خلاف مبارزه کې ډېره مرستې کوي څو په پاکستان کې اقتصادي او سیاسي ثبات د ډالرو په بیه وساتي خو بیاهم دغه حکومت خپل باور له لاسه ورکړی دی او ان تردې چې د سندهـ آیالت چې د خلکو دګوند د بنیاد کیښودونکي ذوالفقارعلی بوټو کور دی او تر اوسه پکې ټاکنې له دې ګوند څخه چا ندي ګټلې خو ښایې چې په راتلونکو ټاکنوکې دغه ګوند خپل پخواني اووټ بینک هم له لاسه ورکړي، څکه دعامو خلکو په عقیده د کراچۍ په بې ثباتۍ او ناامنۍ کې لوی لاس د همدې سیاسي ګوندونو رقابت او سیالیو دی چې د پر امنه سیاسي سیالیو څخه خونړیو سیالیوته ګرځیدلي دي او د کراچۍ په ښارکې د دوه وو موجودو حریفو ګوندونو [مهاجر قومي غورځنګ] او د پښتنو عوامي اتحاد ترمنځه یې شخړوته لمن وهلې ده او پدغه ښارکې یې دغه دواړه ډلې په خپلوکې متحاربې ډلې ګرځولې دي چې د روانو وژنو عمده عامل همدغه سیاسي سیالۍ او رقابتونه ګڼل کیږي کوم کار چې په موجوده فدرالی او د سندهـ آیالتي حکومتونو باندې د کراچۍ دخلکو د باور د کمیدو لامل ګرځیدلی.

همدا رنګه د پاکستان د مرکزي حکومت قوي حریف د نوازشریف مسلم لیګ ګوند هم د خلکو ګوند پر خلاف خپل کمپاین ته زور ورکړی او دهغې ثبوت دا هم دی چې تیره اونۍ د پنجاپ واکمن ګوند آیالتی مشر شهباز شریف د مرکزی د حکومت پرخلاف په لندن کې یوغټ کنفرانس رابللی وو او له هیواد څخه بیرون یې هم د حاکم ګوند پرخلاف خپل مبارزه ګرندۍ کره.